شنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۱ . شماره ۲۱۱۶۷
۱۱ شعبان ۱۴۴۴ . ۴ مارس ۲۰۲۳
خراسان روزنامه صبح ایران

اختصاصی خراسان

رویارویی قاضی ویژه قتل عمد مشهد با متهم به قتل فراری گره کور پرونده جنایی را گشود

معمای «گربه قاتل» پای چوبه دار!

اقرار محضری متهم فراری: قاتل منم!

سید خلیل سجادپور - رویارویی ناگهانی قاضی ویژه قتل عمد مشهد با متهم به قتل فراری، در حالی گره کور یک پرونده جنایی را گشود که ماجرای جوان معروف به «گربه» در پای چوبه دار به معمایی پیچیده تبدیل شده بود! به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ساعت ۱:۲۰ بامداد چهارم مرداد ۱۳۹۰ بود که بی سیم های پلیس به کار افتاد و خبر وقوع جنایتی هولناک در خیابان آیت ا... عبادی ۹۱، افسران گشت کلانتری خواجه ربیع را به محل وقوع جنایت کشاند. طولی نکشید که با حضور قاضی علی اکبر صفائیان (قاضی وقت ویژه قتل عمد) در صحنه حادثه، بررسی های تخصصی آغاز شد. تحقیقات میدانی و شبانه مقام قضایی بیانگر آن بود که جوانی ۲۵ ساله به نام «هادی-گ» توسط مهاجمان پرایدسوار و با ضربات کارد در یک جنایت خیابانی به قتل رسیده است.

همزمان با بررسی های دقیق قضایی، هویت دو سرنشین خودرو فاش شد و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با راهنمایی ها و دستورهای ویژه قاضی صفائیان (قاضی وقت شعبه ۸۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) موفق شدند یکی از متهمان این پرونده به هویت «هادی-ح» را دستگیر کنند. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است ریشه یابی و کنکاش در زوایای تاریک این پرونده جنایی نشان داد که برادر «هادی-ح» (متهم) چندی قبل در پی وقوع تصادفی که رانندگی آن را «هادی-گ» (مقتول) به عهده داشته، فوت کرده است! همین موضوع انگیزه جنایت را به سوی «هادی-ح» سوق می داد، اما وی در بازجویی ها مدعی شد سرنشین فراری خودرو که «علی-م» نام دارد و معروف به «گربه» است از خودرو پیاده شده و ضربات کارد را بر پیکر «هادی-گ» (جوان ۲۵ ساله) وارد کرده است این در حالی بود که من پشت فرمان خودرو نشسته و رانندگی پرایدرا به عهده داشتم و... در همین حال یکی از شاهدان عینی صحنه جنایت نیز در اظهارات خود ادعا کرد که جوان معروف به «گربه» (علی-م) را دیده که از خودرو پیاده شده و ضربات کارد را بر پیکر جوان ۲۵ ساله فرود آورده است.

به گزارش روزنامه خراسان، واکاوی های قضایی و تحقیقات گسترده از سوی قاضی وقت ویژه قتل عمد مشهد، به نتایجی رسید که نشان می داد «گربه فراری» متهم اصلی این پرونده جنایی است و با توجه به اسناد و مدارک موجود، وی به اتهام ارتکاب قتل عمد تحت تعقیب قضایی قرار گرفت. حدود ۶ سال بعد از وقوع این جنایت وحشتناک، کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، با ردزنی های اطلاعاتی، «علی-م» (گربه) را در شهرستان شهریار در حالی دستگیر کردند که تقویم تاریخ بیست و ششم اردیبهشت سال ۹۶ را نشان می داد. طولی نکشید که با انتقال عامل جنایت خیابانی به مشهد، تحقیقات قضایی نیز وارد مرحله جدیدی شد. بررسی های تخصصی و مدارک مستند پرونده حکایت از آن داشت که وی ضارب «هادی-گ» است، اما متهم ارتکاب جرم را انکار کرد و مدعی شد که آن شب «هادی-ح» به دلیل کینه ای که برای تصادف برادرش از «هادی-گ» داشت از خودرو پیاده شد و او را با ضربات کارد نقش بر زمین کرد.

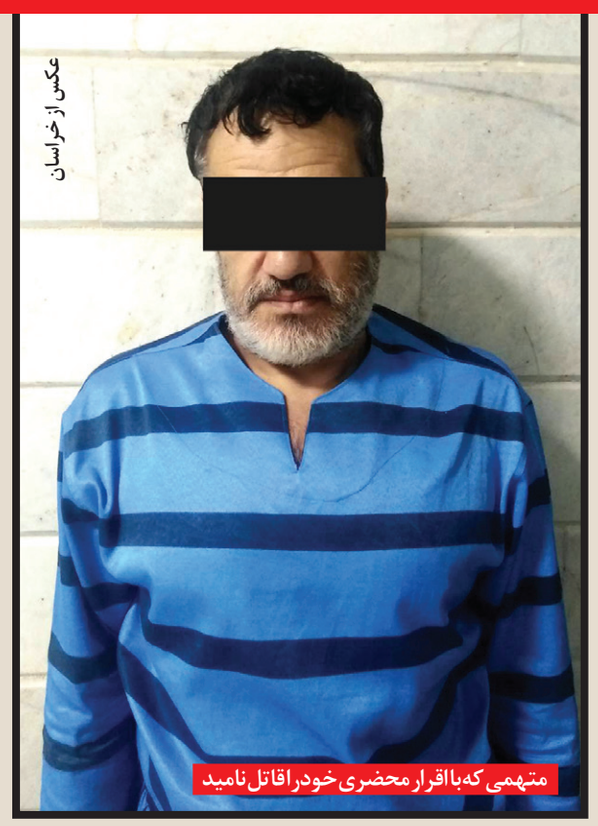
عکس از خراسان
متهمی که با اقرار محضری خود را قاتل نامید

بنابر گزارش خراسان، پس از بازسازی صحنه قتل و انجام بازجویی های فنی، سرانجام «هادی-ح» آزاد شد و کیفرخواست قتل عمد این پرونده جنایی به نام «علی-م» گره خورد و به این ترتیب، علی-م (معروف به گربه) در شعبه پنجم دادگاه کیفری استان خراسان رضوی پای میز محاکمه نشست و قضات با تجربه دادگاه نیز پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه با حضور وکلای مدافع، در نهایت «علی-م» را قاتل تشخیص دادند و او را در تاریخ ۹۸/۱۰/۹ به قصاص نفس محکوم کردند. در این شرایط، متهم به قتل معروف به «گربه» به رای صادر شده از سوی دادگاه اعتراض کرد و به همین دلیل پرونده مذکور برای رسیدگی دقیق تر به شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور ارسال شد، اما قضات سپید موی دیوان عالی هم پس از آن که سطر به سطر اوراق این پرونده قطور را زیر ذره بین قضاوت بردند در شهریور سال ۹۹ برای شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی، مهر تایید زدند و به این ترتیب پرونده «گربه قاتل» آماده اجرای حکم شد.

بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، در حالی که مقدمات اجرای حکم قصاص نفس فراهم شده بود و «گربه قاتل» پای چوبه دار قرار داشت، ناگهان یک نامه محضری، اجرای حکم را متوقف کرد. هنوز سه ماه بیشتر از تایید رای قصاص نفس در دیوان عالی کشور نگذشته بود که دوباره سروکله «هادی-ح» پیدا شد. او با این ادعا که دچار عذاب وجدان شده است به یکی از محضرهای ثبت اسناد مشهد رفت و در نامه ای محضری نوشت «قاتل من هستم! و دوستم «علی-م» بی گناه است! با این اقرار محضری بلافاصله دست اندرکاران این پرونده جنایی به تکاپو افتادند و وکیل مدافع متهم نیز درخواست اعاده دادرسی داد تا با این مدارک رسمی و مستند، دیوان عالی کشور ماجرای این جنایت را دوباره مورد بررسی های قضایی قرار دهد.

این گونه بود که طبق قوانین قضایی جمهوری اسلامی، اعاده دادرسی توسط قضات دیوان عالی کشور بر اساس مدارک جدید پذیرفته و اجرای حکم قصاص «گربه قاتل» تا رسیدگی دوباره متوقف شد.

اما ماجرای این پرونده جنایی از آن جا به معمایی پیچیده تبدیل شد که «هادی-ح» پس از ثبت محضری اقرار به قتل عمدی، خود را به دستگاه قضایی معرفی نکرد و به مکانی نامعلوم گریخت.

به گزارش روزنامه خراسان، اکنون با این سند قانونی، پرونده مذکور به دادسرا بازگشت تا بررسی های قضایی درباره اقرار متهم به قتل (هادی-ح) صورت گیرد، ولی از متهم خبری نبود!

این پرونده جنایی در حالی روی میز قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد (شعبه ویژه جنایی) قرار گرفته بود که قاضی دکتر صادق صفری چندین سال قبل به هنگام مرخصی قاضی احمدی نژاد (بازپرس وقت شعبه ۲۰۸)، یک بار از متهم «هادی-گ» برای کشف زوایای پنهان این پرونده تحقیق کرده بود و نمایی از چهره وی را به خاطر داشت. با وجود این، تحقیقات قضایی برای دستگیری «هادی-گ» در حالی وارد مرحله جدیدی شده بود که او به شهرهای مختلفی می گریخت و حکم قصاص هم برای «گربه قاتل» قابل اجرا نبود.

در همین حال قاضی دکتر صادق صفری که در سمت قاضی ویژه قتل عمد مشهد، ریاست شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب را به عهده دارد، در حالی با ارسال پرونده از دیوان عالی کشور، دستورهای ویژه ای برای ردزنی های اطلاعاتی متهم فراری (هادی-گ) را صادر کرد که به دلیل تحقیق قبلی در پرونده، احاطه کاملی به محتویات آن داشت.

براساس گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با آن که عملیات نامحسوس و رصدهای اطلاعاتی برای شناسایی مخفیگاه متهم فراری در پلیس آگاهی آغاز شده بود، چند روز قبل قاضی ویژه قتل عمد مشهد برای انجام امور اداری و قضایی به سمت دادسرای انقلاب رفت، اما ناگهان هنگام عبور از کنار مجرمان و متهمان مواد مخدر در سالن دادسرا، در جا ایستاد و با چهره ای متعجب و حیرت زده، به چشمان تک تک مجرمانی نگریست که روی نیمکت های سالن به انتظار محاکمه نشسته بودند. او در حالی که به چهره یکی از مجرمان خیره شده بود، نام او را پرسید!

مجرمی که لباس مخصوص زندانیان را به تن داشت، خود را «هادی-گ» معرفی کرد! حالا دیگر قاضی صفری، تردیدی نداشت که او همان متهم فراری است که در پرونده «گربه قاتل» تحت تعقیب قرار دارد. دقایقی بعد با هماهنگی قاضی شعبه ۹۰۴ دادسرای انقلاب، متهم مذکور که به جرم حمل مواد مخدر صنعتی دستگیر شده بود، راهی شعبه ویژه پرونده های جنایی شد و دوباره رو در روی قاضی ویژه قتل عمد ایستاد. او که حیرت زده از قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد سوال می کرد چگونه بعد از چند سال چهره ام را به خاطر آوردید، در حالی که فقط برای چند دقیقه از من بازجویی کرده بودید؟ مقابل میز عدالت نشست و با پذیرفتن نامه محضری که نوشته بود «من قاتل هستم!» به مقام قضایی گفت: آن نامه محضری را من نوشتم، اما اکنون محتویات داخل آن نامه را قبول ندارم؛ چرا که طرف مقابل مراتحت فشار گذاشت و همچنین با وعده و وعید مرا وادار کردند تا آن نامه محضری را بنویسم! و...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با این اعترافات، پرونده «گربه قاتل» در پای چوبه دار، دوباره مورد بررسی های قضایی قرار گرفت.

در امتداد تاریکی

صندوقچه اسرار یک تبهکار!

اگرچه آرزوها و رویاهای دست نیافتنی و شاید هم احمقانه دوران نوجوانی مرا به سوی خلاف و خلافکاری سوق داد، اما مقصر اصلی تباهی من پدرم بود؛ چرا که شیوه تربیت فرزندانش را فقط در کتک کاری می دانست و...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات جوان ۳۰ ساله ای است که به اتهام سرقت قطعات و محتویات خودرو توسط ماموران انتظامی دستگیر شده بود. این سارق سابقه دار در حاشیه اولین جلسه بازپرسی در حالی که رفتارهای خشن پدرش را عامل بدبختی هایش می دانست صندوقچه اسرار گذشته خود را گشود و گفت: در یکی از روستاهای اطراف پیچ ساغروان مشهد به دنیا آمدم و تا مقطع دوم راهنمایی درس خواندم، اما نمراتم پایین بود و به همین دلیل مدام سرزنش می شدم و حتی کتک می خوردم به گونه ای که دیگر از درس و مدرسه نفرت پیدا کردم و بدون آن که پدرم متوجه شود ترک تحصیل کردم تا به دنبال آرزوهای احمقانه ام بروم. روستای ما در کنار بزرگراه آسیایی قرار دارد و مسافران زیادی برای خرید یا استراحت در کنار فروشگاه ها توقف می کردند و من با دیدن برخی از افراد پولدار که سوار بر خودروهای گران قیمت بودند مدام به زندگی آن ها حسرت می خوردم و دوست داشتم هر چه زودتر پولدار شوم و برای خودم خانه هایی قصر گونه بسازم و چندین کارخانه راه اندازی کنم. خلاصه در میان رویاهای خودم غرق بودم که پدرم متوجه ترک تحصیل من شد و مرا آن قدر کتک زد که تا چند روز نتوانستم از خانه بیرون بیایم. پدرم با هر خطای کودکانه با ترکه (شاخه های نازک درختان) به جانم می افتاد به طوری که دیگر به شدت از رفتارهای خشن او می ترسیدم. به این ترتیب پدرم مرا نزد یک تعمیر کار خودرو (جلوبندی ساز) گذاشت تا برای آینده ام این حرفه را بیاموزم. در طول دو سال و در حالی که فوت و فن این حرفه را آموخته بودم برای رسیدن به رویاهایم وباوسوسه یکی از دوستانم که برادرش در تهران کار می کرد از خانه فرار کردم تا در یک شهر بزرگ ترپولدار شوم، اما وقتی به تهران رسیدم جا و مکانی نداشتم و به همین دلیل سراغ برادر دوستم رفتم که در حاشیه شهر و در وضعیت اسفباری به همراه چند معتاد دیگر زندگی می کرد. زمانی فهمیدم که همه حرف های دوستم درباره برادرش فقط یک بلوف بود که دیگر روی باز گشت به روستا را نداشتم.

خلاصه طولی نکشید که من هم در کنار آن ها معتاد شدم و برای تامین مخارج اعتیادم به سرقت روی آوردم؛ چرا که شیوه باز کردن در خودروها را در جلوبندی سازی آموخته بودم، ولی آرام آرام سرقت های خرد نیز کفاف هزینه های اعتیادم را نمی داد. این بود که به همراه دیگر سارقان دستبرد به مغازه ها را شروع کردم. بالاخره در ۱۷ سالگی هنگامی برای اولین بار در یکی از شهرهای اطراف تهران دستگیر شدم که برای فرار از چنگ مال باخته، یکی از کسبه را با چاقو مجروح کردم. آن زمان همدستان دیگرم گریختند و من به تحمل ۸ سال زندان محکوم شدم؛ چرا که شاکیان زیادی داشتم و در سرقت ها از چاقو استفاده کرده بودم. پس از گذشت ۴ سال و با گذشت تعداد زیادی از شاکیان مشمول عفو شدم و در ۲۱ سالگی از زندان بیرون آمدم، ولی باز هم غرورم اجازه نداد به روستا باز گردم و کتک های پدرم را تحمل کنم به همین دلیل دوباره برای یافتن جای خواب، سراغ پاتوق نشینان رفتم و باز هم مصرف مواد مخدر را شروع کردم. چندین بار تصمیم به ترک گرفتم، اما فایده ای نداشت تا این که یک بار به جرم حمل مقداری کریستال دستگیر شدم و به زندان افتادم. در همین روزها بود که با پوران آشنا شدم. او دختری آرام و با وقار بود که به ملاقات برادرش در زندان می آمد. چند ماه بعد وقتی از زندان بیرون آمدم با آن دختر ازدواج کردم، اما باز هم شغلی برای کسب درآمد نداشتم و نمی توانستم هزینه های زندگی مشترک را تامین کنم به این ترتیب دوباره به سرقت خودرو روی آوردم در حالی که همسرم از سرقت های من خبر نداشت برای چند روز به مشهد آمدیم تا خانواده ام با همسرم آشنا شوند در حالی که پدرم خشم خودش را از رفتارهای من پنهان می کرد. یک روز با مشاهده پرایدی که در حاشیه بزرگراه پارک شده بود وسوسه سرقت همه وجودم را فرا گرفت، اما هنوز مسافت زیادی را با خودروی سرقتی طی نکرده بودم که ناگهان در محاصره نیروهای انتظامی کلانتری سلطان آباد قرار گرفتم و برای ۳ سال دیگر روانه زندان شدم. همسرم وقتی سوابق و گذشته مرا فهمید بی درنگ تقاضای طلاق داد و پسر خردسالم را نیز با خودش برد. بعد از این ماجرا تصمیم گرفتم دیگر به دنبال مواد افیونی نروم و زندگی سالمی را در پیش بگیرم، اما این قول و قرارها فقط تا ۲ ماه بعد از آزادی از زندان دوام داشت؛ چرا که بعد از طلاق همسرم به تهران برنگشتم و در مشهد به خلافکاری هایم ادامه دادم تا این که چند روز قبل ماموران انتظامی در یکی از پاتوق های مواد مخدر دوباره مرا در حالی دستگیر کردند که به یک خودروی دیگر دستبرد زده بودم، اما ای کاش...

ماجرای واقعی براساس یک پرونده قضایی

آتش، انبار سوخت قاچاق را برملا کرد

توکلی - آتش نشانان، آتش سوزی انبار سوخت قاچاق را در کرمان مهار کردند، اما سه آتش نشان مجروح شدند. به گزارش خراسان، معاون عملیات آتش نشانی و خدمات ایمنی کرمان در این باره بیان کرد: این حادثه در یکی از خیابان های حاشیه شهر کرمان اتفاق افتاد که به علت حریق گسترده سه نفر از آتش نشانان هم مصدوم شدند. فدایی ادامه داد: با اعلام گزارش آتش سوزی از سوی شهروندی وظیفه شناس، سه دستگاه خودروی عملیاتی به محل اعزام شدند و حریق را پس از مدتی طولانی مهار کردند. وی با تایید سوخت قاچاق در این مکان افزود: در این انبار که به عنوان مصالح ساختمانی شناسایی شد مقدار زیادی سوخت از نوع بنزین وجود داشت که یک سوم آن بر اثر آتش سوزی از بین رفت و بخشی همچنان در محل وجود دارد. فرمانده انتظامی شهرستان کرمان هم گفت: علت آتش سوزی سوخت گیری پژو از همین مخزن بوده که احتمالا متعلق به مالک انبار است و خودروی آن ها دچار حریق شده که در هنگام وقوع آتش سوزی از محل گریختند. سرهنگ پورامینایی بیان کرد: حدود ۳ تا ۴ هزار لیتر سوخت از نوع بنزین در این مکان وجود دارد که مقداری از آن مشتعل شده و قسمتی همچنان در محل است، اما خطری برای شهروندان ندارد. وی تصریح کرد: مالک این انبار و مصالح ساختمانی احضار شدند و پرونده ای در این زمینه تشکیل شده که به اطلاع مقام قضایی هم رسیده، اما هنوز کسی مراجعه نکرده و پلیس همچنان پیگیر موضوع است. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان کرمان حجم بالای قاچاق سوخت در استان را نگران کننده دانست و اظهار کرد: نظارت نکردن دستگاه های متولی در زمینه توزیع و اختصاص سهمیه سوخت، ثبت غیر واقعی پیمایش ناوگان حمل و نقل جاده ای و... از علل عمده نابسامانی در وضع توزیع سوخت است. سید مهدی قویدل افزود: هر دستگاهی با توجه به مسئولیت قانونی خود باید بر روند توزیع سوخت نظارت و هرگونه جرم و تخلف را در سریع ترین زمان ممکن به دستگاه قضایی برای برخورد قانونی گزارش کند.

قتل ۳ عضو یک خانواده در مسجدسلیمان

دادستان مسجدسلیمان با بیان این که فردی در منطقه کلگه از توابع این شهرستان اقدام به قتل سه نفر از اعضای خانواده خود کرده است، اظهار کرد: تحقیقات پلیسی و قضایی در این خصوص آغاز شده است که تا روشن شدن موضوع هیچ شایعه ای قابل تایید نیست.

به گزارش ایرنا، رحمان بن سعید بیان کرد: در این حادثه دو خواهر ۳۰ و ۱۱ ساله و یک خواهرزاده ۶ ساله به قتل رسیده اند.

وی گفت: اطلاعاتی از انگیزه فرد برای اقدام به این قتل و جزئیات ماجرا هنوز در دست نیست و در حال بررسی این حادثه هستیم.

بن سعید با اشاره به این که ضارب بعد از ارتکاب این جنایت، متواری شده است، افزود: این حادثه به وسیله سلاح گرم انجام شده است.

وی تصریح کرد: تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه دارد و مشخص نیست که ضارب هنگام ارتکاب به قتل از نظر روانی در چه شرایطی بوده است.

رضارضایی فاضل بیان کرد: اقدامات پلیسی برای دستگیری قاتل با جدیت در شهرستان مسجدسلیمان ادامه دارد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت کشاورزی و دامپروری کشت و فن (سهامی خاص)
شماره ثبت ۲۱۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۵۵۷۵۰۷ مجمع فوق ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۰۴ در محل بیرجند، خیابان غفاری، خیابان جرجانی، پلاک ۵۷ طبقه اول تشکیل می گردد.
دستور جلسه:
انتخاب اعضای هیئت مدیره
سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد
هیئت مدیره
۱۴۰۱۰۰۸۱۰۵/ج

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت کشاورزی و دامپروری کشت و فن (سهامی خاص)
شماره ثبت ۲۱۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۵۵۷۵۰۷ مجمع فوق ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۰۴ در محل دفتر بیرجند، خیابان غفاری، خیابان جرجانی، پلاک ۵۷ طبقه اول تشکیل می گردد.
دستور جلسه: تغییر مفاد اساسنامه به شرح: ۱- ماده ۴ در مورد محل شرکت ۲- ماده ۱۵ در ارتباط با مدت آگهی دعوت ۳- ماده ۱۶ در ارتباط با محل تشکیل مجامع ۴- تبصره ذیل ماده ۲۴ در ارتباط با نقل و انتقال سهام ۵- ماده ۲۷ در ارتباط با شرایط بازرس
هیئت مدیره
۱۴۰۱۰۰۸۱۰۲/ج

مزایده عمومی فروش قطعه زمین ششدانگ
شرکت همیار سازه توس در نظر دارد نسبت به واگذاری تمامی ششدانگ مالکیت یک قطعه زمین با کاربری مسکونی به مساحت ۴۶۸/۷۵ مترمربع از طریق مزایده عمومی و با شرایط و جزئیات مندرج در اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و به شماره مزایده ۲۰۰۱۰۹۵۳۳۹۰۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی به فروش برساند. جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره ۳۶۰۵۸۸۲۵ داخلی ۲۲۴ تماس حاصل فرمایید.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳
مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ لغایت ۱۴۰۱/۱۲/۱۴
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ ساعت ۱۲:۰۰
زمان بازگشایی پاکات: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ ساعت ۱۳:۰۰
۱۴۰۱۰۰۸۱۰۶/

آگهی مناقصه عمومی
شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۱۰۹۵۰۰۶۰۰۰۰۱۰
موضوع: انجام امور مربوط به حفظ و نگهداری و توسعه فضای سبز کل پایانه ها و ایستگاه سوارها
مبلغ برآورد: ۱۴۸,۶۸۰,۵۸۹,۶۴۵ ریال
جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید. این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir نیز درج می گردد.
سازمان پایانه های مسافربری شهرداری مشهد
۱۴۰۱۰۰۸۱۲۲/

آگهی مناقصه
اداره کل زندانهای خراسان رضوی
درنظردارد واگذاری حجمی خدمات حمل زباله، خدمات نقلیه (حمل و نقل)، سرویس دهی و تأمین خودرو مورد نیاز جهت اعزام مددجویان به مراکز بهداشتی و درمانی (درمانگاه ها و بیمارستان ها) و مراجع قضایی در ستاد و مراکز تابعه اداره کل زندانهای استان خراسان رضوی را به بخش خصوصی واگذار نمایند، شرکتهای واجد شرایط می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۸ به سامانه تدارکات دولت به نشانی اینترنتی SETADIRAN.IR (به شماره ۲۰۰۱۰۰۳۳۱۲۰۰۰۰۱۰) مراجعه و جهت کسب اطلاعات بیشتر، هماهنگی و بازدید از مراکز تابعه کل استان به اداره امور مالی و پشتیبانی زندانهای خراسان رضوی واقع در مشهد- بلوار شهید قرنی - قرنی ۶ - جنب بیمارستان دکتر شیخ مراجعه یا با تلفن ۳۷۲۸۷۶۱۱ تماس حاصل نمایند.
اداره کل زندانهای خراسان رضوی
شناسه آگهی: ۱۴۶۵۳۰۲
۱۴۰۱۰۰۸۰۳۰/